

نویسنده: پروفسور جیمس پیتراس «Prof. James Petras»

منبع و تاریخ نشر: کلوبال ایسرچ «25-04-2019»

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

سوسیالیسم ، سرمایه داری و مراقبت های صحی

socialism , capitalism and Health care



مقدمه:

نخبگان سیاسی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا همیشه به این نکته توجه داشتند که سرمایه داری از لحاظ تا مین رفاه شخصی افراد خیلی بهتر از نظام سوسیالیسم است؛ آنها ادعا میکنند که شهروندان در نظام سرمایه داری زندگی طولان تر (توقع بیشتر حیات) سالمتر و شادتر دارند.

بحث و تبادل نظر میان حامیان قانون مراقبت مقرون به صرفه (داشتن هزینه ای است که بیش از حد بالا نیست) ایالات متحده ویا (مراقبت اوباما = Obama care) و مخالفان غضبناک او در تحت زعامت رییس جمهور **دونالد ترامپ** بخشی از بحث های بزرگتر سیستم نیست؛ زیرا هر دو طرف «چشم انداز از برنامه های خود را برای مراقبت های صحی بروی طرح های شرکت های بیمه خصوصی بخاطر دستیابی به سود پایه گذاری میکنند. این منبع بودجه «به نیروهای مهار کننده با زار» به منظور ارایه خدمات

مراقبت های صحی با کیفیت در بازار رقابت آزاد که در آن هر امریکایی حتی که به شکننده ترین بیماری مبتلابه سرطان بعنوان یک سها مدار منحصر بفرد از گزینه های رایگان با استفاده از تعادل یا موازنه ای خود مشغول بکار خواهد بود.

مقایسه واقعی اینکه چگونه این سیستم های اقتصادی مراقبت های اولیه صحی را ارائه میدهند، باید که بر اساس آن باشد که برای جمعیت بهترین نتایج را فراهم کند رضایت شخصی و امنیت جامعه را در سراسر مرزها تامین کند. سیستم های صحی ملی در این پارامترها از سیستم خصوصی هرج و مرج استفاده میکنند.

از سوی دیگر ایالات متحده امریکا از نظر فیصدی کارگران و اعضای خانواده که به نسبت بلند رفتن هزینه های صحی شخصی شان از رفتن نزد دوکتور اجتناب می ورزند در بلندترین نقطه ویا در راس از کشورهای اروپایی قرار دارد- یا به عبارت دیگر اکثریت افراد در امریکا که وابسته به برنامه های بیمه خصوصی برای سوداوری بمنظور دسترسی به مراقبت های صحی هستند؛ نمیتوانند که از یک مرکز صحی؛ داکتر ویا کلینیک حتی بخاطر معالجه یک بیماری قابل ملاحظه بازدید بعمل آورند. نوع سیستم اقتصادی ویا مالی خدمات صحی تعیین کننده وضع صحی فرد است و آن این است که احتمال دارد یک بیمار در واقع مراقبت های پزشکی مهم و حیاتی را برای حفظ حیات، توانایی اش برای پیشبرد کار و لذت بردن از سطح رضایت داشته باشد که در اینصورت نوع بیمه او نیز متفاوت از دیگر بیمه های صحی میباشد.

این مقاله شامل یک بحث مختصر از شرایط اجتماعی و سیاسی است که موجب ایجاد سیستم مراقبت بهداشتی اجتماعی شده روشن و موثرتر است. و ما در مورد عواقب دو سیستم بهداشتی اعم از سیستم سوسیالیستی و سرمایه داری با توجه به امید به زندگی و کیفیت زندگی مردم تماس خواهیم گرفت و به توضیح و تشریح آن میپردازیم.

مقایسه هزینه های بازدید پزشکی توسط سیستم اقتصادی:

ایالات متحده امریکا تنها یک کشور توسعه یافته است؛ که که پیشکش خدمات ویا مراقبت های صحی اش به جمعیت کارویا اشتغال متکی به یک سیستم بیمه خصوصی سوداوری است که برای فراهم آوری ویا تامین صحت؛ بودجه لازم را اختصاص میدهد در مقابل همه کشورهای در اتحادیه اروپا مصارف برنامه های خدمات صحی شان را از بودجه عمومی تامین میکنند.

یکی از شاخص های با کیفیت اصلی و کلیدی سیستم مراقبت های صحی همانا دسترسی بیمار به عرضه خدمات طبی معقول و به موقع است.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD = organization for economic cooperation and development) اخیراً یک مقایسه سیستمیک از هفت کشور با

سطوح ویا اندازه های مختلف تولید ناخالص داخلی آنها با در نظر داشت تناسب فیصدی مردم در هر کشور که قادر به پرداخت هزینه های صحی و طبی برای مراقبت های صحی لازم اند انجام داد.

کشورهای اروپایی همه برنامه های صحی عمومی ملی را با اهداف و اقدامات مشخص از نقطه نظر نتایج بدست آمده شان تعیین کرده اند. اما ایالات متحده امریکا تنها کشوری است که عرضه خدمات طبی اش متکی به سیستم مراقبت های صحی خصوصی بوده و بودجه لازم را بغرض فراهم آوری خدمات صحی برای جمعیت که در کار و اشتغال اند مختص می سازد.

نتایج :

بیش از یک پنجم (22%) از جمعیت مشغول به کار امریکایی براین باور اند ویا در حالتی قرار دارند که در صورت مبتلا شدن به کدام بیماری وحتی تصادم ؛ آنها نمیتوانند که بخاطر کسب مشوره ویا مداوا به دوکتور ویا به کلینیک صحی مراجعه کنند. بالمقابل کمتر از (8%) از کارگران اروپایی خودرا قادر به پرداخت هزینه های لازم بغرض دسترسی به خدمات و مراقبت های صحی نمیدانند ویا که توان پرداخت هزینه را در این بخش ندارند. ودر بزرگترین کشورهای اتحادیه اروپا کمتر از (5%) از جمعیت کارکنان ویا جمعیت اشتغال بکار از پرداخت هزینه ای بغرض نیل به مراقبت های صحی اجتناب میکنند. کارگران ویا جمعیت اشتغال بکار در امریکا پنج برابر بیشتر از اینکه بطور دواطلبانه از پرداخت هزینه بغرض دسترسی به مراقبت های صحی جلوگیری میکنند ؛ اغلباً با پیامدهای فاجعه بار صحی دراز مدت مواجه میشوند.

اگرما ایالات متحده امریکا را با داشتن نظام بیمه صحی خصوصی در بازاری آزاد با هرکشور از اتحادیه اروپا مقایسه کنیم ؛ درآنصورت نتایج ثابت را میتوان بدست آورد. وآن اینکه دسترسی مردم به تسهیلات ویا خدمات مراقبت های صحی و طبی ضروری در ایالات متحده امریکا از بدتر است.

در آلمان و فرانسه؛ پیشرفته ترین کشورهای در اتحادیه اروپا شهروندان به سن وسال اشتغال و اعضای خانواده سه تا ده برابر نسبت به مردم ایالات متحده امریکا دسترسی بهتر به خدمات ویا تسهیلات صحی دارند. (8%) از کارگران در فرانسه و (2%) در آلمان به دلیل عدم توانایی در پرداخت هزینه بیمه صحی از ویزیت با دوکتور خودداری میکنند. در بین کشورهای توسعه یافته اروپا (4%) در انگلستان و (5،4) فیصد در ایتالیا بخاطر دلایل مالی ویا اقتصادی برای صرفه نظر کردن از مراقبت های ضروری صحی را ذکر میکنند که به اصطلاح توان پرداخت هزینه ای را

بمنظور دسترسی به مراقبت های صحی ندارند ویا که از توان اقتصادی ماهانه ای شان بیرون است درحالیکه این فیصدی بگونه ای مقایسوی در ایالات متحده امریکا به (22) درصد میرسد .

قابل یادآوری است که حتی در کشورهای توسعه نیافته اتحادیه اروپا نظیر اسپانیا و پرتگال با داشتن بالاترین نرخ بیکاری و کمترین درآمد سرانه ؛ کارگران این کشورها دسترسی بیشتر به مراقبت های صحی و طبی دارند. تنها (5،2) فیصد از کارگران در اسپانیا و (5،7) درصد در پرتگال به دلیل نداشتن و پرداخت هزینه از ویزیت و بازدید دوکتور معالجه دور هستند ویا اجتناب میکنند .

ملیا ردرها با تکنا لوزی بلند بالا از (ارزشها) صحبت میکنند که حداکثر سود را دارند .

مرک زوکر برگ (Mark Zuckerberg) که شرکت فیس بوک متعلق به او به بار اول در حدود (10) میلیارد دلار در یک ربع عاید کرده است طی این ماه چنین اظهار داشت « حفاظت از جابجا معمه ما مهمتر از به حد اعلی رساندن سود ما است» (FT 11/16/17) . (P 8)



Mark Zuckerberg

مرک زوکر برگ و همراگان اش ؛ در ظاهر امر شواهدی را در نزد مردم اصلی امریکای وسطی جوامع امریکایی کشف و مشاهده کردند که برای آنها شوک دهنده بود از اینکه آنها یعنی همین مردم بومی امریکای وسطی در معرض بحران اعتیاد به مواد مخدر قرار دارند که باعث تلفات صدها هزار نفر و مرگ و میر میلیون ها نفر از خانواده های این معتادین بمواد مخدر شده ؛ بومیان امریکای شمالی بیشتر در باره دسترسی به درمان اعتیاد موثر نسبت به دسترسی شان به فیس بوک نگران بودند .

زوکر برگ با همراگان ویا گروه کارگران خارجی تحصیل کرده ای خود در ساحل غربی به راحتی فرصت از شنا سازی منبع بحران این معتادین امریکایی را از دست داده و خسته شده است .

قابل تذکر است که بیش از حد نسخه های داروهای ضد افسردگی که توسط دهها

هزار طیبب خصوصی در تحت فشار صاحبان شرکت های غول پیکر دواسازی تجویز میشود از دو دهه به اینطرف است که نسل کشی توسط همین دوکتوران خصوصی تحت فشار که به تجویز داروهای ضد افسردگی می پردازند جان هزارها انسان را گرفته اند؛ حالانکه کشورهای اروپایی با در تحت نظارت سیستم بهداشتی تنظیم شده ای اجتماعی خود این نقیصه را بگونه معجزه آسا از بین برده اند.

دربین کشورهای صنعتی؛ توقع حیات در ایالات متحده امریکا کمتر است:

از آنجاییکه ایالات متحده امریکا تا حد ممکن خدمات مراقبت های صحی را برای افراد داخل کار و اشتغاللات ارزانتر تا مین و فراهم میکند؛ مطمیناً میتواند با مباحثات برخ مردم بکشانند که امریکا یکی از ثروتمندترین کشور در راس شماری از کشورهای جهان است. که همین اکنون پنج بزرگترین شرکتی در سطح جهان دارد که سرمایه کلی این پنج شرکت بزرگ در حدود (3,3) تریلیون دلار برای غول های تکنولوژی پیشرفته ایالات متحده است، در حالیکه در اروپا شرکت بنام ساف (SAP) شرکت مشهوری است که به اصطلاح سرمایه آن (60) خط پایین تر از شرکت های پنجگانه ای متعلق به امریکا است.

شرکت های فن آوری ویا تکنولوژیکی بزرگ و ملیارد در غول پیکر امریکایی و مدیر عامل اجرایی (chief executive officer) نیز بخاطر فرار از پرداخت مالیه ملیارد دلار، سرمایه را به بیرون از کشور انتقال داده و عدم رضایت خود را مبنی بر پرداخت هزینه لازم در تحقق برنامه های تا مین مراقبت های صحی برای کارگران چه در داخل ایالات متحده امریکا و چه در خارج از کشور نشان داده یعنی که برای تامین صحت و تسهیلات مراقبت های صحی کارگران هزینه نمی پردازد و از همین سبب است که سرمایه و توان این شرکت های فنا وری انحصاری امریکا بیشتر و بیشتر است از اینکه بیش از یک پنجم امریکایی ها نمیتوانند از دسترسی به مراقبت های صحی برخوردار شوند این مطلب را یکی از ناظران گروه نظارتی یاد دهانی کرد.

نخبگان جدید با تکنالوژی در دست داشته شان بخاطر کسب هر چه بیشتر سود و نفع متمایل نیستند که به ارتباط سرمایه ونحوه بکا انداختن آن صحبت کنند (FT 11/17/17) (P9).

کمی ویا فقدان مدیران عامل فناوری جدید ملیارد دلاری (CEO) اروپایی مانند **راکر برگ وگیتس** امریکایی با سیستم های مالیاتی داخلی که تا مین مالی عمومی و مدیر خدمات پزشکی موثر صدها میلیون کارگر اروپایی را تا مین میکند مرتبط است یا ساده تر اگر بگویم همچو مثل **زوکربرگ وگیتس** امریکایی با وجود کمی و فقدان مدیران عامل تکنالوژی ملیارد دلاری اروپایی از اینکه در ارتباط با سیستم مالیاتی داخلی است خدمات مراقبت های صحی موثری عمومی را برای صدها میلیون کارگران اروپا تا مین

میکنند. به عبارت دیگر، ایالات متحده آمریکا با تمرکز شدیدتر بر ثروت نا برابری اجتماعی؛ بیشترین میزان نا برابری مراقبت های صحتی را در میان کشورهای صنعتی در خود دارد.

اروپا بدون نابرابری؛ انحصارها و با وجود کمی بودجه برای تامین و پیشبرد پروگرام های صحتی با زهم نسبت به ارایه خدمات صحتی سرمایه داری از نوع بیمه خصوصی آمریکا - خدمات بهتر و موثرتری را برای همه شهروندان خود تامین و فراهم میکند.

ریشه های تاریخی سیستم مراقبت عالی اروپا:

قدرت سرمایه انحصاری یکی از عواملی است که باعث کاهش کیفیت مراقبت های بهداشتی برای جمعیت کار آمریکا می شود. یکی دیگر از عوامل فقدان مبارزه طبقاتی طبقه کارگر در ایالات متحده در مقایسه با اروپا است. پس از جنگ جهانی دوم، موج های عظیمی از اعتصاب های طبقه کارگر در سراسر فرانسه، ایتالیا و انگلستان وجود داشت. احزاب مختلف کمونیست و کارگری در قاره اروپا نقش مهمی در تشکیل و در تحکیم اتحادیه های کارگری داشتند که خواستار تامین مالی عمومی و مراقبت های بهداشتی ملی بودند. در انگلستان، سوسیالیست ها و دولت های کارگری از سوی اعضای اتحادیه های کارگری خود برای ایجاد یک سیستم بهداشت ملی برای پاسخگویی به نیازهای کارگران و خانواده هایشان تحت فشار قرار گرفتند. در حالی که آلمان در اواخر قرن نوزدهم، دارای یک سیستم بهداشت عمومی اساسی یا پایه بود که از زمان بسمارک در اواخر قرن نوزدهم بمیراث مانده بود، اقتصاد سوسیالیستی و خدمات عمومی که در جمهوری دموکراتیک آلمان (آلمان شرقی) پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت، جایگزین برای کارگران آلمان غربی بود یعنی با موفقیت برای اجرای یک دولت پیشرفته رفاهی، از جمله یک سیستم از مراقبت پزشکی اجتماعی، در فدراسیون کاملاً سرمایه دار آلمانی، تحت فشار قرار داد و با قرار گرفتن ..

اسپانیا و پرتغال در دهه (1970) دیکتاتورهای فاشیستی قبل و بعد از جنگ را سرنگون و از قدرت برکنار ساختند، اتحادیه های کارگری مبارز و احزاب چپ به قدرت رسیده به تحقق وعده ها و اجرای برنامه های رفاه اجتماعی پرداختند که حتی با وجود محدودیت های اقتصادی خود توانستند خدمات بهتر صحتی موثر ملی را برای شهروندان خود فراهم کنند و توقع حیات را افزایش دادند.

ایالات متحده آمریکا هیچ رفاه اجتماعی و برنامه های ملی خدمات مراقبت های صحتی برای جمعیت کارگر خود ندارد. چونکه کارگران ایالات متحده آمریکا پس از ختم جنگ جهانی دوم اعتصابات کوتاه مدت را بر راه انداختند و ستیزه جویان چپ؛ کمونیست ها و سوسیالیست ها با رهبران فاسد اتحادیه های صنفی کارگری کنار آمدند و این

اتحادیه‌های کارگری به جای مبارزه بمنظور ایجاد یک سیستم موثر ملی صحت با دریافت امتیاز حداقل به حزب دموکرات آمریکا مرتبط شدند و به پذیرش یک سیستم گران قیمت ترین و غیر قابل توصیف مراقبت صحت خصوص در جهان تن دادند.



ایالات متحده آمریکا تنها کشور سرمایه داری است که شهروندان به سن و سال کار و اشتغال با اعضای خانواده های خود محروم از دسترسی به یک سیستم خدمات صحت موثر ملی هستند و پس از گذشت (60) سال از تجربه نتایج این سیستم خدمات صحت خصوصی آمریکا چهره ای نامطلوب ولکه دار خود را بر ملا ساخت طوریکه ارابه مراقبت های صحت ضروری برای کارگران آمریکایی از طریق اشکال مختلف بیمه های خصوصی سودآور و هزینه متورم غیر قابل کنترل مراقبت های غیرمجاز و تولید وساخت وسایل و تجهیزات تشخیصی طبی قیمت بها نرخ عرضه خدمات صحت را در رقابت با کشورهای اروپا و جاپان و کانادا بمراتب بلند برده است که اکثر مردم آمریکا توان پرداخت هزینه ای را بخاطر دسترسی به خدمات و مراقبت های صحت ندارند.

از سال (2001) تا سال (2018)، تحت ریاست جمهوری بوش، اوباما و ترامپ، مالیات دهندگان ایالات متحده با پرداخت (5/6) تریلیون دلار به صورت خصوصی، برای کمک هزینه های خیریه با نتایج غیرمنتظره از لحاظ سلامت جمعیت و امید به زندگی (توقع حیات) صرف شده است. که بر اساس درآمد سرانه این هزینه دو برابر هزینه شهروندان اتحادیه اروپا است که به طور مداوم از افزایش امید به زندگی و بهبود پارامترهای سلامتی برخوردار بوده اند. علی رغم این سرمایه گذاری عظیم پول در یک سیستم خصوصی بی نظیر و بی نظیر، وزارت خزانه داری آمریکا قاطعانه چنین ادامه داد که این وزارت نمی تواند برای تحقق برنامه بهداشت ملی بودجه ای اختصاص دهد و با در نظر داشت این اصل نمیتواند که برنامه خدمات صحت ملی خود را برای مردم فراهم کند..

نتیجه کنونی و آینده سیستم بهداشتی سرمایه داری:

امروز میلیون ها کارگر دستمزد و روزمزدور آمریکایی نسبت به کارگران

وهمتا یا ن خود در دیگر کشورهای صنعتی توقع حیات کوتاه مدت دارند یعنی طول زندگی سالم و بی دردوسر نسبت به همتا یا ن شان که در اروپا و یا درجا یا ن دارند کوتاه است. ایپیدیمی یا همه گیر اعتیاد به مواد مخدر در میان کارگران ایالات متحده امریکا که بطور کامل در اثر تجویز غیر مجاز مواد مخدر اکثراً اعتیاد اور که توسط پزشکان خصوصی بالاثر در تحت فشار قرار گرفتن آنها ذریعه صاحبان صنعت دواسازی ایالات متحده صورت میگیرد نرخ مرگ و میر ناشی از مصرف دوز بالا یا مصرف بیش از حد مواد مخدر (600000) واقعه بوده است که ایپیدیمی نتیجه تجویز نسخه های قانونی منحصر بفرد در ایالات متحده امریکا است یعنی که به دوکتور معالج قانوناً اجازه داده شده است که به بیمار همچو ادویه ای اعتیاد اور را تجویز نماید که در حدود (15) درصد کارگران ساختمانی امریکا نیاز به درمان اعتیاد دارند و میلیون ها نفر از کارگران نسبت به داشتن اعتیاد به مواد مخدر و یا به نسبت تجویز ادویه اعتیاد اور توسط دوکتوران معالج تحت فشار کمپنی های دواسازی از بازار کار اخراج می شوند و در کنار ان در ایالات متحده امریکا با در نظر داشت برنامه های طبی تجملی بسیاری از اتحادیه های کارگری ساختمان سازی با ورشکستگی روبرو میشوند ، چونکه وجوه مالی را برای تدوای معتادین با مواد مخدره خود ندارند- یا که قیمت داروهای ضد اعتیاد (antidote) برای این اتحادیه ها بسیار گران است و دلایل این بدبختی کاملاً روشن است - آن اینکه کارگران امریکایی آسیب دیده و یا معتاد به مواد مخدر دوره های طولانی داروهای ارزان قیمت و اما بسیار اعتیاد اور را برای مقابله با درد خود داشته اند که در هنگام بازدید مستقیم از کلینیک های صحی بجایی که به آنها مراقبت های با ارزش و اما مناسبی پس از ترخیص و یا تروما بدهند که شامل فزیوتراپی و استراحت است ، کارفرمایان و سرپرستان فقط بدن های آنها را گرم می نمایند و بکار یا وظیفه ای شان اعزام می نمایند که این کار سرانجام به فاجعه متقابل منتهی میشود یعنی که سرانجام بمرگ آنها می انجامد.

در امریکا شرکت های مگا یا شرکت های خصوصی غول ملیارد دلاری دواسازی مواد مخدر بسیار اعتیاد اور را تولید میکند و بخاطر ترویج و تبلیغ همچو داروهای لابی ها و مبلغان را با پرداخت پول استخدام میکند که سیاستمداران و یا تنظیم کننده و همه کاره ای امریکایی را متقاعد سازند که عرصه ای ایپیدیمی یا همه گیر شدن به اعتیاد همچو داروها را گسترش دهند بیمارستان ها ؛ طبیبان سوداور ؛ پرستاران ؛ دوکتوران دندان و دیگر اهل طب و طبابت مربوط این شرکت های دواسازی همه و همه در ایجاد یک فاجعه تاریخی ناکارآمد پزشکی باهم متعهد شده اند که میلیون ها کارگر امریکایی و خانواده های آنها را به همچو داروهای معتاد و یا گذشت زمان به مرگ محکوم میکنند بخش عمده این کارگران معتاد به مواد مخدر در اثر تجویز ادویه های اعتیاد اور توسط

پزشکان؛ کارگران سفید پوست اند که مشغول کار دستی (در کارهای ساختاری، کارخانه ها، مزارع؛ معادن و...) هستند که آنها به مراقبت های موثر صحتی دسترسی ندارند در هزاره جدید آمریکا؛ کارگران امریکایی که در هنگام اجرای وظیفه آسیب می بینند که باید معالجه و فیزیوتراپی شوند بگونه ناخواسته با تجویز داروهای معجزه آسا توسط دوکتوران به ادامه کارشان تداوی و سوق میگردند و شرکت های بیمه خصوصی آنها بطور آشکارا از پرداخت به دواهای غیراقتصادی اورگران قیمت امتناع ورزیده و اصرار مینمایند که برای این کارگران باید دواهای ارزان قیمت اعتیاد آور مخدره تجویز گردد و البته که این کارگران به دواهای غیر اعتیاد آور موثر دسترسی ندارند بنابر بیماری شان دوام مینمایند تا آنکه به نسبت معلولیت و بیماری از کار اخراج میشوند- سرمایه داران امریکایی به راحتی از رشد کسری صحت و جانجویی سالم کارگران ساختمانی و دیگر کارگران استغنا و بی پروایی نموده دائماً خواهان آنند که کارگران آسیب دیده در هنگام اجرای وظیفه با تجویز داروهای ارزان قیمت معالجه شوند و یا که این کارگران را به نسبت عدم توانایی ادامه کارشان تحقیر و توهین نموده از کار اخراج مینمایند و به عوض آنها کارگران را از بیرون کشور با مزد کم استخدام میکنند و اصلاً به حالت و وضع کارگرانی که عمرها برای این سرمایه داران کار کرده اند توجه نمیکنند

استنتاج:



بیماریا روربا دوز زیاد مواد مخدر (opioid overdoses) در یکی از شفاخانه های ایالات متحده (منبع خبر از روز صحت)

کارگران حتی در فقیرترین کشورهای عضو اتحادیه اروپا دسترسی بیشتری به خدمات پزشکی بهتر و موثرتری به نسبت هم تانایان امریکایی خود دارند. آنها همچنان از افزایش انتظارات زندگی (توقع حیات) و زندگی طولانی بدون معلولیت خود لذت می برند. جراحات آنها به طور مناسب با استراحت و فیزیوتراپی درمان می شود. کارگران آسیب دیده اروپایی یا ژاپنی هرگز دوره های مضحک و طولانی مواد مخدر بسیار اعتیاد آور

را که به آمریکایی ها داده می شود، تجویز نمی کنند. مطمئناً هر گونه افزایش مرگ و میر با استفاده از داروهای ضد افسردگی که در اتحادیه اروپا یا ژاپن موجب شود سریعاً به تحقیقات بهداشت عمومی و اقدامات اصلاحی پرداخته میشود - یک تقابل یا یک کنش متمایز و بی عا طفه نسبت به دوده بی تفاوتی خشن در جامعه پزشکی ایالات متحده امریکا که بر روی داروینیزم اجتماعی (داروینیزم اجتماعی که در اواخر عهد ویکتوریا در انگلستان، آمریکا و دیگر نقاط شهرت یافت، باوری است بر این مبنا که قوی ترین ها یا شایسته ترین ها باید باقی بمانند و در جامعه رشد و نمو کنند، درحالی که ضعیفان و بی خاصیت ها باید رها شوند تا از بین بروند.^[1] منشأ این عقیده از فیلسوف انگلیسی هربرت اسپنسر است، و چیزی در این مورد در نوشته های خود داروین وجود ندارد.^[2] ... از ویکی پدیا) مقابله کرد قربانیان بیشتر آن طبقه کارگر شناسایی شده است

در اروپا و ژاپن، درمان طولانی مدت مواد مخدر برای بیماران مبتلا به سرطان بخاطر زودن به درد ناخوشایند آنها است که تجویز میشود. اما هرگز به نوجوانان روستایی یا طبقه کارگر به نسبت آسیب های ورزشی پیشنهاد نمی شود حالانکه در امریکا این خود یک عمل معمول است!

سیستم های مراقبت های بهداشتی عمومی اروپا محصول مبارزه طبقاتی و جنبش های اجتماعی توده ای اجتماعی و احزاب سیاسی است که دولت های رفاه را بوجود آوردند که در آن بهبود سلامت مردم یک هدف اصلی از جامعه اجتماعی آن است. تثبیت و غنی سازی بیشتر از کنترل سرمایه داری و تبعیت از کار در هر یک از فاز آن - - از پایین به کسب و کار با تکنولوژی بالا در مقابل، نظام سلامت خصوصی برای سود در ایالات متحده نمونه درخشانی از پیروزی سرمایه داری است. در این پیروزی نهایی سرمایه داری، شعارهای مبارزه طبقاتی قدیم تجدید نظر شد - و آن اینکه - کارفرمایان زنده بمانند! و مرگ زود هنگام به کارگران!

مراقبت های صحیح خصوصی و تمایل برای کسب سود بیشتر موجب آن شده است که شرکت های داروسازی و یا صنعت دواسازی سود و امتیازات زیادی را بدست آورند تا جای که صاحبان و مدیران اجرایی را به ملیا ردها مبدل ساخته است از جمله خانواده ای فرا نوع پرست و یا به اصطلاح «بشرو دست» ساکلر (Sackler)؛ خانواده ای که در شرکت دواسازی بنام پرودا فاموسیتیکل خود دوا بنام (oxycontin) مصنوعی ضد درد شبیه مورفین هرچه کشنده تر را تولید و بالای ده ها میلیون امریکای بفروش رسانده است که در کنار آن بیمارستان های سودآور به شمول نهادهای بیموی خصوصی؛ دوکتوران در موسسات طبی خصوص و شرکت های تحت عنوان بیمه رفاه اجتماعی سودهای فراوانی را بدست آورده اند که اینها همه و همه با یکا ربردن یک سیستم غیر قابل توصیف و غیر قانونی؛ کارگران امریکایی را بمرگ زود

هنگام با تجویز همچو داروهای اعتیاد اور مبتلا و طول زندگی آنها را کوتاه ساخته اند و یا که این کارگران معتاد به همچو داروها در طول زندگی کوتاه مدت خود با ناامیدی و ناتوانی زندگی شان را سپری کرده و یا که سپری میکنند.

کارفرمایان نظام سرمایه داری با نهاد های مراقبت های خصوصی خود و شرکت های بیمه از شیوع مرگ و میرهای زودرس کارمندان سابق خود بهره مند میشوند از اینکه به دلیل کاهش امید به زندگی (توقع حیات) هزینه های بازنشستگی و مراقبت های بهداشتی آنها کاهش می یابد که از این رو والاستریت با هلهله خرسند و شادمان میشود از اینکه نفوس جمعیت ها که با یاد آموزش نمایند و یا از آنها حفاظت صورت گیرد کم میشود و مالیات نیز کاهش می یابد و زمینه برای جلب کارگران بیرونی کم اجوره با دستمزد ارزان (آموزش دیده در جوامع خود) میتواند مساعد شود که آنها را به آسانی و بدون دغدغه از کار میتوان اخراج کرد و یا که بکار گیرید.

این غیرقابل انکار است: افزایش امید به زندگی و یک زندگی شایسته و بدون معلولیت برای کارگر آمریکایی ناپدید شده است. با سلامت ضعیف و مراقبت ناکافی، مرگ و میر مادر و نوزاد در حال افزایش است به خصوص در مناطق روستایی و صنعتی نشده.

تاریخچه مبارزه طبقاتی موفق، با هر نشانی نگرانی با هر شاخص است ندارد سلامت و زندگی، منجر به اجرای برنامه های موثر ملی و رفاهی می شود. جوامع آنها برای شهروندان خود مزایای فراوانی به دست آوردند که به وضوح برتر از همکاران طبقة کارگر فاسد تحت سرمایه داری خصوصی در ایالات متحده بودند.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله: جیمز پترس (متولد 17 ژانویه 1937)

استاد بازنشسته بارتل (مامور) جامعه شناسی در دانشگاه بینگمتن در Binghamton، نیویورک است و استاد ادبیات دانشگاه سنت مری، هالیفاکس، نوا اسکوشیا، کانادا، که در مسائل سیاسی با تمرکز خاصی روی آمریکای لاتین و خاورمیانه، امپریالیسم، جهانی شدن و جنبش های اجتماعی چپ گرا، می نویسد.

----- **با تقدیم سلامها «2019-05-05»**